

دکتر شهریانو دلبری

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات واحد مشهد

بررسی اجمالی جامعه‌ی یهود ایران

(از سده اول تا پایان سده چهارم هجری)

چکیده:

ایران سرزمینی است که در آن اقوام و مذاهب مختلف در طول تاریخ در کنار هم می‌زیسته‌اند. با ورود اسلام به ایران پایدارترین آیین ایرانیان شکل گرفت. پس از سقوط امپراتوری ساسانی، مردم ایران به تدریج گروه گروه به اسلام گرویدند. از جمله مذاهب مقارن ظهور اسلام در ایران، کیش یهودیت بود که سابقه‌ای کهن داشت. در دوران اسلامی، یهودیان مانند پیروان سایر ادیان به عنوان اهل ذمه و یکی از اقلیت‌های مذهبی در ایران به حیات خود ادامه دادند. سازش و مدارای آنها با دولتمردان مسلمان باعث شد تا بسیاری از ایشان در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی به مقامات بالایی دست یابند. اصل تسامح و تساهل اسلامی شامل حال ایشان گشت و در نتیجه تاکنون نیز در ایران به زندگی عادی در کنار سایر هموطنان خویش ادامه می‌دهند.

کلید واژه‌ها یهود؛ بیت‌المقدس؛ کاهن؛ جهود؛ یهودیه

مقدمه

در ایران قبل از اسلام، ادیان و مذاهی مطرح بوده است، مانند: بودائیسم، میتراییسم، زروانیسم، یهودیت، مسیحیت، مانویت، مزدکیان، یهودیان با پرداخت جزیه پس از اسلام نیز همچنان به حیات خود در جامعه اسلامی ادامه دادند. درباره چگونگی آمدن یهودیان به ایران گفته‌اند که پس از ویرانی معبد اورشلیم به دست بخت النصر در سال ۵۸۶ ق.م، بنی اسرائیل در اطراف عالم متفرق شدند و از عبرانی به یهود معروف گردیدند. قوم یهود در اثر این اسارت از مصر تا خاک ایران در همه جای عالم متمدن، پراکنده گشتند. کورش پارسی، پادشاه بزرگ هخامنشی را باید رهایی بخش یهودیان دانست چرا که او در فتح بابل در سال ۵۳۸ ق.م یهودیان را از اسارت هفتاد ساله رهانید. در عهد عتیق آمده است که عده‌ای از یهودیان در قرن هشت پیش از میلاد به ایران آمدند. این مقاله بررسی وضعیت یهودیان را در سه عنوان بررسی می‌کند: نقش علمی یهودیان، فعالیت‌های اقتصادی یهودیان ایران، پراکنده‌گی جغرافیایی یهودیان در ایران. از آنجا که ناحیه خراسان و به طور کلی ایران از عراق اداره می‌شد (محمد الخضری بک، تاریخ الامم الاسلامیه، ص ۲۱۱) و مقتر خلیفه و رأس‌الحالوت یهودیان (رهبر بزرگ مذهبی یهودیان) آنجا بود، در این مقاله گاهی از آن سرزمین به صورت گذرا یاد شده است.

تعامل مسلمانان با یهودیان

پس از ورود اسلام به ایران، پیروان آیین موسی (ع)، مانند گذشته در ایران زندگی می‌کردند. با این حال در دوره‌های مختلف رفتار والیان با آنها متفاوت بود. وجود این گروه و فعالیت‌های آنان در دو بعد تجاری و علمی بسیار پررنگ است و نمونه‌های بسیاری در این مورد وجود دارد. متأسفانه منابع، مطالب زیادی را در مورد اقلیت‌های مذهبی و اهل کتاب در ایران بیان نداشته‌اند و تنها در پاره‌ای از منابع و مأخذ به طور پراکنده درباره وضعیت این گروه‌های دینی در

ممالک اسلامی مطالبی وجود دارد. هر چند نباید از دیدگاه متعصبانه و افراطی برخی از نویسنده‌گان در این دوران یعنی تا قرن چهارم غافل باشیم زیرا بیشتر کتاب‌های تدوین یافته، همین سبک را دارند و توجه به غیرمسلمانان (به ویژه در ایران) بسیار کم است که خود بر سختی این‌گونه پژوهش‌ها می‌افزاید.

سخت‌گیری بر اهل کتاب به نظر شخص خلیفه والی باز می‌گشت. گاهی والیان بر آنها سخت می‌گرفتند و چیزهای عجیبی از ایشان تقاضا می‌کردند مانند طلب خون بهای حضرت عیسی (ع) از ایشان (ابن قتبیه، عيون الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۶). از وجود یهودیان در امر دبیری در دستگاه دولتی نیز استفاده می‌شد و در صورت داشتن شایستگی، املاکی را به آنان به رسم تیول واگذار می‌کردند (طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۷، ص ۴۳۴). یهودیان نسبت به مسیحیان از نامهای عربی و اسلامی کمتر استفاده می‌کردند اما به جای آن بیشتر نامهای بنی اسرائیل و پیامبران این قوم را بر خود می‌ Nehادند و از این نظر شناسایی ایشان راحت‌تر است. (جاحظ در رساله علی رد النصاری به شدت بر اهل کتاب بخصوص نصاری، تاخته که چرانامهای حسن و حسین و فضل و علی و... بر خود می‌گذارند). وی جامعه‌شناسی است که مسیحیت و یهودیت را در درون بدنه جامعه اسلامی مورد پژوهش قرار دارد. (احمدامین، ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۴۳۴).

خوارج با مسیحیان و یهودیان مدارا می‌کردند و اصل قتل مرتدان را شامل حال ایشان نمی‌دانستند. حتی برخی از پیشوایان خوارج معتقد بودند که باید یهودیان و مسیحیان را با مسلمانان (یعنی خوارج) مساوی دانست (بطروفسکی، اسلام در ایران، ص ۶۰). احساس مخالفت اهل سنت با یهود نسبت به شیعیان بیشتر بود. واعظ بلخی از قول شیخ ابوالقاسم صفار بلخی (۳۲۶ ه)، حدیثی از رسول خدا نقل کرده است که ایشان فرمودند: «صوموا عاشورا ثلثه ایام، خالفو اليهود صوموا یوما قبله و یوما بعده» یعنی سه روز در عاشورا روزه بدارید و جهودان را مخالفت کنید یک روز پیش از عاشورا و یک روز پس از آن (واعظ بلخی، فضائل بلخ، ص ۲۹۱).

نقش علمی یهودیان

در قرن‌های اول تا چهارم هجری، یهودیان بسیاری در میدان‌های علم و دانش، گوی سبقت را ربوده بودند و در کنار سایر مسلمانان در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، تعدادی از اینان ایرانی نژاد بودند که می‌توان به این نامها اشاره کرد: ابوالحسن علی بن رین طبری (پسر سهل، رین در لغت یهود به معنای مقتدى و معلم ایشان است) وی کاتب مازیارین قارن نیز بود. او به دست معتصم خلیفه عباسی (۲۱۸-۲۲۸ هـ) مسلمان شد و مدتی نیز در دستگاه متولک بود. او در علوم و حکمت و طبیعت‌شناسی ورزیده بود. کتاب «فردوس الحکمة» از آثار اوست (جمال الدین قسطنطی، تاریخ الحکماء، ص ۳۲۱). پدر وی رین طبری یهودی منجم از اهالی طبرستان، طبیبی حاذق و در هندسه و ریاضیات سرآمد بود و در بین یهودیان مقام بالایی داشت. سندبن علی، منجم دربار مأمون، در رصدخانه شمسیه بغداد کار می‌کرد. از فضلای بی‌نظیر بود که بعدها به دست مأمون مسلمان شد و بانی کنیسه‌ای که در پشت «باب الشمسیه» قرار داشت نیز بود. از دیگر دانشمندان یهودی ایرانی، ماشاء الله منجم و ماسرجویه طبیب و فرات بن شحناث رامی توان نام برد (همان، ص ۴۴۲ و ۲۵۹). در زمان دو خلیفه معروف عباسی یعنی هارون الرشید و مأمون، یهودیان در زمینه‌های مختلف علوم چون ریاضیات و فلسفه و صرف زبان عربی به مراتب بالایی دست یافتند. معاجم بسیاری نوشته شد، مانند «معجم تلمود» که سیماح بن تبلو آن را نوشت (غئیمه، نزهه المستاق فی تاریخ اليهود العراق، ص ۱۱۷).

آموزش کتاب‌های یهود و تعلیم به شاگردان آنها در قرن چهارم هجری همچنان رواج داشت. حمزه اصفهانی طی دیدارش در ۳۰۸ هجری از شهر بغداد از دانشمندی یهودی به نام صدیق نام می‌برد که کتاب‌های بسیاری از حفظ داشت و شاگردانی را آموزش می‌داد (حمزة اصفهانی، تاریخ پیامبران و شاهان، ص ۸۹)، از جمله اطبای یهودی در قرن چهارم می‌توان به داود طبیب در نیشابور اشاره کرد (ابوفضل بیهقی، تاریخ بیهق، ص ۲۴۱). ابوعبیده معمر بن منثی از مشهورترین علمای نحو و اخبار، نسبت به عرب نظر خوشی نداشت. وی چند کتاب مانند کتاب لصوص العرب و فضائل الفرس نوشته است (امین‌احمد، ضحی‌الاسلام، ج ۱، ص ۶۹). علمای یهود و نصاری، باعث رواج زبان‌های مختلف در جامعه مسلمانان می‌شدند. در نتیجه برخی از عادات و عقاید یهودیان،

شبهات و مسایل جدید کلامی و اجتماعی پدید آمد که احتیاج به بحث و نقادی داشت و در نهایت به پیشرفت‌های علمی انجامید. می‌توان گفت «يهودیان در انتقال متون علمی و فلسفی اسلامی به اروپای مسیحی بسیار مؤثر بودند» (جوئل کرمر، احیای فرهنگی در دوره آل بویه، ص ۱۲۷). در قرن‌های موردنظر، (قرن اول تا چهارم هجری)، مناظرات میان یهودیان و مجوس و یهودیان با مسیحیان، همچنان ادامه داشت. با این حال این مباحثات به صورت آرام و عاری از هر لحن تند و زننده صورت می‌گرفت. مسلمانان نیز مناظراتی با یهودیان داشتند از آن جمله می‌توان به مناظرات امام رضا(ع) در مرو در دربار مأمون عباسی با رأس‌الجالوت یهود (رهبر دینی یهودیان در آن هنگام) اشاره کرد (شیخ صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۳۳) امرای بویهی نیز از این مناظرات طفه نمی‌رفتند و با روحیه تساهل و تسامحی که داشتند به این امور مبادرت می‌کردند. رأس‌الجالوت یهود (هم‌زمان با این عباد) در مورد تقليیدناپذیری قرآن با این عباد وزیر بویهی در ری به مناظره پرداخت. به گفته ابوحیان توحیدی، رأس‌الجالوت در اثنای مناظره به حیله دست یازید (جوئل کرمر، احیای فرهنگی در دوره آل بویه، ص ۱۳۱).

يهودی‌های مانند پلی در نشر علم و دانش میان شرق و غرب در کنار سایر یکتاپرستان در تاریخ نقش بزرگی داشتند.

فعالیت‌های اقتصادی یهودیان ایران

اصولاً یهودیان مردمانی تجارت‌پیشه هستند. در قرن‌های اول تا چهارم هجری در ایران همچنان به فعالیت‌های اقتصادی خویش ادامه می‌دادند که سودآوری بسیاری داشت. فرمانروایان مسلمان نظر خوبی نسبت به سوداگران داشتند و در نتیجه تاجران یهودی نیز از آزادی بیشتری برخوردار بودند. فعالیت عمده تاجران یهودی در بصره، بغداد، عمان و سیراف و بنادر بود. آنان از چین و هند گرفته تا سودان و آفریقا پیوسته در سیر و سفر و نقل و انتقال بودند و کالاهایی مانند الماس، پوست، عقیق، عطر، عاج، فیروزه و کتان را معامله می‌کردند و در عین حال مالیات نیز می‌پرداختند (زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۴۵۱). در عراق و ایران، صراف‌ها (جهبدان) بیشتر یهودی بودند و منزلت بالایی داشتند (جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۷۶۵). فعالیت تاجران یهودی در تمام طول دوران اموی و عباسی در ایران کاملاً مشهود است.

گاه ثروت زیاد آنان سبب می‌گشت تا مسلمانان نیز از آنان وام بگیرند. نقل است که حاجچ بن یوسف تقدیمی والی عراق و ایران از تاجری یهودی هزار هزار دینار قرض گرفت (غنیمه، نزهه المشناق فی تاریخ اليهود العراق، ص ۱۱۱). رباخوری در میان یهودیان به شدت رایج بود چنانکه در قرن سوم یوسف بن فتحاس جهبد (صرف) اهواز دو هزار دینار با بهره سی درصد به ابن الفرات وزیر عباسی وام داد (آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۲، ص ۵۱۸).

بندر سیراف در ایران تا قرن چهارم هجری از جمله بنادر تجاری محسوب می‌شد و از نظر اقتصادی اهمیت زیادی داشت. جغرافی نویسان مسلمان به این شکوفایی اقتصادی اشاره کرده‌اند که سهم یهودیان را نمی‌توان نادیده انگاشت. (این شکوفایی اقتصادی تا قرن‌ها ادامه داشت چنانکه بنیامین تودلایی این مطلب را در قرن ششم یادآوری کرده است (بنیامین تودلایی، سفرنامه، ص ۱۲۴). در قرن چهارم هجری در شیراز جمعی از بازرگانان یهودی زندگی می‌کردند ولی تعداد آنها از زرده‌شیان و مسیحیان شهر کمتر بود (یاقوت حموی، معجم‌البلدان، ج ۳، ص ۳۸۱). طی اکتشافات انجام گرفته، گورستانی از قرن‌های اولیه اسلامی در نزدیکی بندر طاهری (در مسیر بوشهر به سمت جزیره کیش) در جنوب ایران کشف شد که شبیه قبور مسلمانان است و از وجود یهودیان در این منطقه حکایت می‌کند که بیشتر به علت وجود تاجران این آیین بوده است (محمدتقی مصطفوی، اقلیم پارس، ص ۴۸۲). در نواحی مشرق عالم اسلامی (خراسان بزرگ) نیز در قرن‌های اول تا چهارم هجری، تاجران یهودی آمد و شد داشتند مانند ناحیه غور در افغانستان کنونی، کتبه‌های یهودی به زبان فارسی در تنگه آرائو در کوه‌های مشرق هرات که در سال‌های ۱۱۴-۱۱۵ هنوشه شده است. در کتاب طبقات ناصری از منهاج سراج جوزجانی پیوستگی‌های یهودیان با نخستین سرکردگان دودمان شنسپیان غور دارای جوهری تاریخی است (منهاج سراج، طبقات ناصری، ج ۱، ص ۳۲۵). در زرنگ و بست از ناحیه سیستان نیز جمعیت یهودی زندگی می‌کردند و راههای بازرگانی این منطقه را با هند مرتبه می‌ساخت (کلیفورنیا ادموند باسورث، تاریخ سیستان از برآمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، ص ۳۲).

شهر ری نیز بر سر جاده ابریشم قرار داشت و یکی از مراکز تجار یهودی به شمار می‌رفت. معمولاً ادیان مختلف به زبان‌های فارسی و رومی و عربی و فرنگی در آنجا بسیار بودند و یهودیان به گفته ابن‌فقیه در این میانه سهم به سزاوی داشتند (ابن‌فقیه، مختصر‌البلدان، ص ۲۴۹). یهودیان در

امر خرید و فروش برد، بازارهای ایران و عراق و حتی نواحی دیگر را به خود اختصاص داده بودند، هر چند خودشان از خرید و فروش هم کیشان خود امتناع می‌کردند. تاجران آنها شمال و جنوب و شرق و غرب عالم آن روزگار را پیمودند و هند و خلیج فارس و انتظامیه و فرات و... را زیر پا گذاشتند و پایگاههایی در این نقاط برای خود فراهم کرده بودند، مانند یهودیان ایرانی که روابطی با ملوک سیلان برقرار کردند. یهودیان در معاملات خود از اوراق بهادر نیز به جای پول بسیار استفاده می‌کردند که در دوران اسلامی میان مسلمانان شایع شد (احمدامین، ظهرالاسلام، ج ۲، ص ۲۴۲).

پراکندگی جغرافیایی یهودیان در ایران

با بررسی منابع محدودی که در اختیار داریم در می‌یابیم که تعداد یهودیان به صورت پراکنده در نقاط مختلف ایران تا قرن چهارم قابل مشاهده است و بدین لحاظ نمی‌توان آمار و ارقام و مکان‌های مشخصی را به عنوان مراکز تجمع یهود نام ببریم. اصفهان از شهرهایی بوده که مورد توجه یهودیان قرار داشته است. نقل است هنگامی که یهودی‌ها توسط بخت النصر از بیت المقدس کوچ داده شدند با خودشان کمی از آب و خاک شهرشان را برداشتند و در هیچ منزلگاهی فرود نمی‌آمدند تا زمانی که داخل شهر اصفهان شدند (ابن حوقل، صورۃالارض، ص ۱۱۰ و دهخدا، ذیل کلمه اصفهان). مکانی را که یهودیان در اصفهان در آنجا فرود آمدند به لغت عبری «بنيحنا» نامیدند. زیرا آنجا را شبیه به بیت المقدس یافتند (برخی اصفهان را از واژه اشکهان یهودی به معنای «در این جامی نشینیم» می‌دانند فرهنگ دهخدا، ذیل کلمه اصفهان). سپس در آنجا ماندند، عمارت‌ها ساختند و ازدواج‌ها نمودند و نسل ایشان پایدار ماند و آن مکان را به نام ایشان یهودیه نامیدند.

به گفته ابن فقیه، اسکندر، شهر جی را در کنار یهودیه ساخت (مختصرالبلدان، ص ۲۴۰). با این وجود برخی چون بلوشه معتقدند که آنها بنا به درخواست همسر یهودی یزدگرد به نام شوسن (شوسن) دخت به محله جی مهاجرت کردند. موسی خورنی در کتاب «تاریخ ارمنستان» (مارکوارت کتاب ایرانشهر خود را بر اساس آن نوشته است) اصفهان را محل اصلی و اسپورگان (الاساوره) می‌داند که ایشان از طبقه نجبا بودند (یوزف مارکوارت، ایرانشهر، ص ۶۹). به بیان دیگر

اصفهان کنونی بر ویرانه‌های همان جی قدیمی و یهودیه متأخر بی افکنده شده است. در قرن چهارم هجری مقدسی از یهودیان در شهر جی یاد نکرده است و گویا زمان وی یهودیان بسیاری در آنجا زندگی نمی‌کردند (المقدسی، احسن التقاسیم، ص ۲۹۸). اما در قرن‌های بعدی این وضعیت فرق می‌کرده است. به طوری که یهودیه وسعت بیشتری نسبت به جی داشته است (ادریسی، نزهه‌المشتاق، ج ۱، ص ۶۷۷).

به عقیده عده‌ای هنوز برخی ویزگی‌های مشترک یهودیان قدیم این منطقه در مردم اصفهان وجود دارد. از جمله مرام اقتصادی هر دو قوم، ثروت‌اندوزی و مال‌دوستی آنان، تیزهوشی و زیبکی و سیاست‌پیشگی. همچنین لهجه‌های متداول بسیاری در این منطقه وجود دارد که یادآور یهودیان قدیم آنجا است. برای مثال عموم یهودیان اصفهان به لهجه ولایتی (زبان قبل از اسلام، زبان دوره ساسانی) آشنا هستند. نام برخی روستاهان نیز حاکی از این مطلب است مانند «سوان» (دهخدا، ذیل کلمه اصفهان) بسیاری از اماکن مقدس یهودیان تا دوره صفوی و قاجار همچنان در اصفهان باقی مانده است (مصطفوی، علی‌صغر، نگاهی به زندگی ایرانیان یهودی، ص ۳۰). مسعودی در قرن چهارم هجری در توصیف شهر آمل از شهرهای سواحل دریای خزر به ساکن بودن جمعی از یهودیان در آنجا اشاره دارد (مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۰۱). به طور کلی جغرافی نویسان مسلمان تا قرن چهارم هجری از اقوام خزر یهود حاشیه دریای خزر یاد کرده‌اند. طبیری در واقعه سنباد و شورش بابک در قرن دوم هجری، از جماعتی یهودی نام برده است که نشان از وجود این فرقه در مناطق شمال غربی ایران دارد.

تعداد زردهشیان در ایران همواره بیش از تعداد مسیحیان و یهودیان بود. اصطخری تعداد یهودیان را در منطقه فارس اندک توصیف کرده است (اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۱۲۱).

در کابل نیز در قرن چهارم یهودیانی سکونت داشتند (ابن حوقل، صورۃالارض، ص ۱۸۴). از دیگر شهرهای شرق خراسان که یهودیان در آنجا ساکن بودند، ناحیه گوزکانان بود، قصبه این ناحیه، چهودیه نام داشت (اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۱۳). یاقوت حموی از قصبه یهودیه در ناحیه جوزجان یاد کرده است (معجم البلدان، یهودیه) در نزدیکی شهر قدیم پاریاب (فاریاب) شهری آباد به نام یهودان وجود داشته است که از آن یهودیان بوده است (حدود العالم، ص ۹۷). در ناحیه خوارزم نیز شهری به نام یهودیه وجود داشت (ادریسی، نزهه‌المشتاق، ج ۱، ص ۴۷۹). شهر بلخ دارای

دروازه‌ای به نام «دروازه جهودان» بود که اکنون از محل دقیق این دروازه اطلاع دقیقی در دست نیست. اما اکثر جغرافی نویسان نام آن را در ردیف دروازه‌های بلخ ذکر کرده‌اند. به احتمال زیاد نام این دروازه مأخوذه از نام تاجران یهودی بود که به بلخ رفت و آمد داشته‌اند و از آنجا که در بلخ محله‌ای مسکونی به نام یهودان وجود داشته است وجود این دروازه در قرب این محله محتمل است. شاید این دروازه به سوی میمنه یا یهودیه که دو منزلی طالقان بود، باز می‌شده است که چنین نام‌هایی در مرو نیز رواج داشته است. بنا به اطلاعاتی که از ساکنان بلخ بدست آمده در شمال غربی مسجد خواجه‌ابونصر پارسا، دویست خانوار یهودی ساکن بوده‌اند (مفتاح‌الهامة، جغرافیای تاریخی بلخ و جیحون و مضائق بلخ، ص ۱۲۷، ۳۹۳).

آمار دقیقی از تعداد یهودیان در ایران قرن‌های اول تا چهارم در اختیار نداریم با این وجود در قرن ششم هجری یکی از یهودیان به نام بنیامین تولدایی از ایران دیدار داشته است و ضمن این سفر، آماری از تعداد یهودیان ایران نیز ذکر کرده است. وی تعداد یهودیان در ایران را حدود یک میلیون و دویست هزار نفر گفته است. از سخنان این خاخام یهودی می‌توان فهمید، کمتر شهری در ایران بود که تعدادی یهودی در آن سکنی نداشته باشد. طبق آمار او در روادبار دویست هزار نفر یهودی بودند که در میان آنها افراد زیادی دانشمند و صاحبان اندیشه و همچنین شروتمند زندگی می‌کردند. در نهادن چهل هزار در همدان که یهودیان به واسطه مقبره دو رهبر مذهبی این قوم به نام‌های استر و مرد خای مقدس می‌شمردند، حدود سیصد هزار نفر یهودی ذکر می‌کند. در اصفهان و شیراز نیز ده هزار یهودی ساکن بودند. بنیامین این مناطق یهودی‌نشین را سرسیز و مصفاً توصیف کرده است (بنیامین تولدایی، سفرنامه، ص ۱۲۶ به بعد).

نتیجه‌گیری:

کاهش جمعیت یهودیان در مناطق مختلف و به خصوص نواحی مرکزی ایران به دلیل انتشار وسیع اسلام و همچنین مهاجرت‌های برخی از یهودیان به نواحی مختلف مانند سواحل جنوبی دریای خزر، زیرا در مجاورت کوهستان‌های شمالی ایران که هنوز مسلمان نبودند و همچنین وجود خزان در بخش شمالی دریای خزر با آسایش بیشتری به حیات خویش ادامه می‌دادند. همچنین یهودیان با مماشات و سازش با دولت‌های اسلامی توانستند از فعالیت‌های اقتصادی

بهره بیشتری ببرند و سود بیشتری را نصیب خود کنند. یهودیان طی قرون اولیه اسلامی در مجادله‌ها و بحث‌های اعتقادی شرکت فعالی داشتند و به حیات علمی خویش ادامه دادند. فعالیت یهودیان در امور اداری و دیوانی نیز تا حدی چشمگیر بوده است.

به عقیده برخی از مستشرقان، بزرگ‌ترین تفاوت اروپا‌که در قرون وسطی یکپارچه مسیحی بود- با امپراتوری اسلام، وجود شمار بسیار زیادی غیرمسلمانان (اهل ذمہ) بین مسلمانان است که از آغاز، مانع تکوین وحدت سیاسی کامل بین ملل اسلامی بودند (آدم متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۴۷). در ابتدا به غیرمسلمانان با چشم بیگانه نگریسته می‌شد اما پس از آن که متفکران مسلمان اصول تسامح و تساهل اسلامی را بیشتر مطرح ساختند و با توجه به آن که این اصول نیاز مشترک و لازمه تفاهem گروه‌ها با هم بود در نتیجه نوعی آسان‌گیری و مدارا در جامعه اسلامی پدید آمد.

■ منابع و مأخذ

- ۱- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه ذکاوی فراگزلو، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴
- ۲- ابن قتبیه دینوری، ابن محمدعبدالله، عيون الاخبار، بیروت دارالكتاب العربي، الطبع الثاني، ۱۹۶۶
- ۳- ادریسی، محمدبن محمد، نوحة المشتاق في اختراق الآفاق، مكتبة الفقافة الدينية، مصر، بی تا
- ۴- ابن فقيه، ابن بكراحمد، مختصر كتاب البلدان، دار احياء التراث البيروت، طبعة الاولى، ۱۹۸۸
- ۵- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، انتشارات بنگاه، ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۴۰
- ۶- اصفهانی، حمزه بن حسن، تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
- ۷- امین، احمد، ضحی الاسلام، دارالكتاب العربي، بیروت، بی تا
- ۸- امین، احمد، ظهرالاسلام، دارالكتاب العربي، بیروت، بی تا
- ۹- ابن حوقل، ابن القاسم، صورةالارض، منشورات دارالمکتبة بالحياة، ۱۹۹۲
- ۱۰- ابن بابویه، شیخ صدق، عيون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستغی و علی اکبر غفاری، انتشارات صدق، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۱۱- باسورث، کلیفورنیا ادموند، تاریخ سیستان از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، ترجمه حسن

- انوشه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰
- ۱۲- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، کتابفروشی فروغی، بی‌تا
- ۱۳- پطروفسکی، ایلیا پاولویچ، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، ۱۳۵۴
- ۱۴- تودلایی، رابی بنیامین، سفرنامه، مترجم، مهوش ناطق، انتشارات کارنگ، چاپ اول، ۱۲۸۰
- ۱۵- ————— حدود العالم من المغرب الى المشرق، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲
- ۱۶- الخضری بک، محمد، تاریخ الامم الاسلامیه، قاهره، المصطبعة الخامسة، ۱۳۶۶
- ۱۷- زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۳
- ۱۸- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهیرکلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۲
- ۱۹- طبری، محمدبن‌حریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت، مؤسسه اعلمی للطبعات، ۱۹۸۹
- ۲۰- العصفری، خلیفةبن‌خیاط، تاریخ خلیفةبن‌خیاط، دار الفکر لبنان، ۲۰۰۱
- ۲۱- غنیمه، یوسف رزق‌الله، نوہة المشتاق فی تاریخ اليهود العراق، مکتبة الثقافة الدينیه، مصر ۲۰۰۱
- ۲۲- کرم، جوئل، احیای فرهنگی در دوره‌آل‌بویه، ترجمه محمدسعید حنایی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵
- ۲۳- قنیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، انتشارات انبی، چاپ دوم، ۱۳۷۶
- ۲۴- فقطی، جمال‌الدین، تاریخ الحكماء، به کوشش بهین دارایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱
- ۲۵- مارکوارت، یوزف، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳
- ۲۶- مسعودی، ابوالحسن‌علی، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، انتشارات دارالهجره، ۱۹۸۴
- ۲۷- مصطفوی، محمدتقی، اقلیم پارس، انتشارات انجمان آثار ملی، چاپ تابان، ۱۳۴۲
- ۲۸- مصطفوی، علی‌اصغر، نگاهی به زندگی ایرانیان یهودی، انتشارات بامداد، ۱۳۶۹
- ۲۹- مفتاح‌الهامة، جغرافیای تاریخی بلخ جیحون و مضائق بلخ، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶
- ۳۰- مقدسی، ابوعبدالله، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۷
- ۳۱- منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳
- ۳۲- یاقوت حموی، معجم‌البلدان، چاپ دار الصادر بیروت، بی‌تا
- ۳۳- واعظ بلخی، ابی‌بکر، فضائل بلخ، ترجمه محمدحسین بلخی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰